



انترناسیونال

۱۶۸

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۰ آذر ۱۳۸۵، ۱ دسامبر ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سردبیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

پاسخ به نامه ها

دموکراسی به چه معناست؟ سالگرد حزب در ایران!

صفحه ۲

"جنگ بازنده ها"

سیاوش دانشور

گانگسترهای طرفدار صلح!

در حاشیه رویدادها

صفحه ۴



شهلا دانشفر

۱۶ آذر، زلزله مصنوعی، امامزاده عبدالله

خود را برای تقابل با برپایی با شکوه ۱۶ آذر بعنوان يك روز اعتراض عمومی در جامعه، آماده میکند. اوضاع امسال متفاوت است. اعتراض به عمق جامعه کشیده شده است. جنبش اعتراضی کارگری همچنان يك عرصه مهم مبارزه با جمهوری اسلامی است و خود رژیم دارد از کانونهای جدید بحران و به

یکهفته بیشتر به ۱۶ آذر نمانده است. اعتراض محیط دانشگاهها را فرا گرفته است. همه دارند از برگزاری این روز صحبت میکنند. اعتراضات در دانشگاهها بالا گرفته است و رژیم تهاجم خود را بر روی دانشگاهها متمرکز کرده است. استادان سکولار را اخراج میکنند و فضای دستگیری و تهدید بالا گرفته است. رژیم دارد

تحرك درآمدن شهرها در نتیجه این اعتراضات صحبت میکند. زمزمه بر سر ایجاد تشکل واقعی بالاست و از جمله همین روزها بود که انجمن

صفحه ۲

پیام حمید تقوائی بمناسبت روز دانشجو

شانزده آذر روز فراخواندن جامعه به آزادی و سوسیالیسم است

ارتجاعی آن، از خطر سوسیالیسم و درجه نفوذ آرمانهای رادیکال چپ در میان جوانان ابراز نگرانی میکنند، و در مورد شیخ لنین در دانشگاهها به یکدیگر هشدار میدهند. این شیخ واقعی است. منصور حکمت بر این حقیقت تاکید میکرد که دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، و بدون "خطر" سوسیالیسم به يك منجلا بديل خواهد شد و امروزه هراس و نگرانی ارتجاعیون از "خطر سوسیالیسم"، بازتاب گسترش روز افزون امید سوسیالیسم در میان آن اکثریت عظیمی است که به منجلا ب جمهوری اسلامی تن نمیدهند و میروند که این نظام را از پایه زیر رو کنند.

شانزده آذر روز دانشجو فرا میرسد. جنبش دانشجویی در ایران همیشه فعال و معترض و پیشرو بوده است اما شانزده آذر تنها روز دانشجو نیست، این روز نه به جمهوری اسلامی، روز آزادی و برابری، روز سوسیالیسم است، و این حقیقت را سالهاست که بنیانه ها و شعارهای دانشجویان در شانزده آذر با صدای بلند و رسا اعلام داشته است. "آزادی و برابری"، "نان و آزادی برای همه"، "رهایی انسان از تمامی تقسیم بندیها و تبعیض های طبقاتی، جنسی و نژادی!" اینها پیامهای شانزده آذر است که در سالهای پیاپی در فضای سیاسی جامعه طنبن انداز شده است. و امسال نیز این پیام شفاف تر و رسا تر از همیشه، پیام روز دانشجو خواهد بود. دانشجویان در این روز بیدار میآیند تا به نمایندگی از تمام جامعه در برابر کل حکومت جنایتکار اسلامی و نظام ضد انسانی سرمایه بايستند و پرچم سوسیالیسم را برافرازند.

امروز مقامات واقع بین و دور اندیش در حکومت و در اپوزیسیون

صفحه ۴

از اعتراض متحدانه زندانیان سیاسی دفاع کنیم! زندانیان سیاسی در چندین زندان دست به اعتصاب غذا زدند

مجرور کردند. در اعتراض به این رفتار وحشیانه که منجر به زخمی شدن و بستری شدن تعدادی از زندانیان سیاسی گردید، اعتراض در زندانهای مختلف کشور به اشکال مختلف شروع شد. از جمله در زندانهای گوهردشت کرج، بیرجند، سمنان و اردبیل، تعدادی از زندانیان سیاسی اعتصاب غذای محدودی را شروع کرده اند که همچنان ادامه دارد. از جمله آقایان عباس لسانی، اصغر اکبرزاده، بهروز علی زاده، ودود سعادت، یاسر مجیدی، حیدر نوری، بهروز جاویدتهرانی، مهرداد لهراسی، جعفر قدامی و علیرضا کرمی خیر آبادی، هم اکنون در

جمهوری اسلامی از ترس اعتراضات بین المللی و اعتراض بخشهای مختلف مردم در داخل کشور، براحتی نمیتواند زندانیان سیاسی را شکنجه و اعدام کند و به طرق دیگری متوسل شده است. مشتکی اوپاش و چاقوکش را که به قتل و شراحت متهمند، از زندانهای دیگر به داخل زندانهای سیاسی برده و به جان زندانیان سیاسی انداخته است که آنها را مورد ضرب و شتم قرار دهند.

جمهوری اسلامی در گوهردشت و اوین بجان زندانیان سیاسی افتادند و تعدادی از آنها را بیرحمانه زدند و

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ ۱۶ آذر، زلزله مصنوعی ...

پاسخ به نامه ها

برنامه های ویژه ای در دستور جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

رژیم تحت عنوان مبارزه با اوباش دارد اوباش حزب الله و نیروهای انتظامی را به خیابانها میکشد. قرار است با ایجاد زلزله های مصنوعی تحت عنوان آسیب سنجی شهر در برابر زلزله، خیابانها قرق شود. اینها همه وحشت رژیم از یک روز اعتراض عمومی را به نمایش میگذارد. در همین شرایط است که دفتر تحکیم وحدت نیز هوا را پس دیده و محمد هاشمی دبیر این تشکیلات میگوید: "در جلسه شورای مرکزی، وضعیت دانشگاهها و برنامههای ۱۶ آذر مورد بررسی قرار گرفت و بنا بر این شد که شورای مرکزی تحکیم روز دانشجوی بر مزار شهدای ۱۶ آذر در امامزاده عبدالله حضور پیدا کنند." دفتر تحکیم وحدت دارد به امامزاده عبدالله پناه میبرد.

بدین ترتیب میبینیم همانطور که خانه کارگر و شوراهای اسلامی در روز ۲۹ آبان که قرار بود سالروز قانون کارشان را بزرگ بدارند، از شنیدن اینکه قرار است کارگران با شعارهایشان و با خواستههایشان به خیابان بیایند، به مرقد خمینی پناه بردند و از امامشان طلب استمداد کردند، دفتر تحکیم وحدت نیز دانشجویان را به تجمع در امامزاده عبدالله فرا میخواند.

با این کار دفتر تحکیم وحدت بیش از هر وقت هراس خود را از یک ۱۶ آذر بزرگ، رادیکال و چپ به نمایش گذاشت. باید جواب دندان شکنی به اینها داد. باید رژیم و دفتر تحکیم وحدت بدانند که دانشجویان و همه انسانهای آزادخواه تصمیم خود را گرفته اند. دیگر نمیتوان این موج را عقب زد و دوره خرید فرصت برای رژیم به پایان رسیده است. جای ۱۶ آذر معلوم است. امسال نیز همانند هر سال در مقابل دانشگاه جمع خواهیم شد و با بلند کردن پلاکاردهای آزادی برابری و با شعار نه جنگ، نه بمب، آزادی برابری چشمان دنیا را خیره خواهیم کرد. برای یک ۱۶ آذر بزرگ و با شکوه، یک ۱۶ آذر رادیکال و سوسیالیستی و ۱۶ آذری که در آن نه تنها دانشجویان بلکه همه بخش های جامعه، کارگران، معلمان، پرستاران و همه مردم شرکت وسیع دارند و آزادی و برابری را فریاد میزنند، تلاش کنیم. *

و خواهان متوقف شدن اخراج ها و دستگیریها و آزادی فوری دستگیرشدگان هستند. بدین ترتیب خواستههایی مشترک همه این اعتراضات را به هم پیوند میزنند. خواستههایی که درد همه بخش های جامعه است. از سوی دیگر امروز زندانهای جمهوری اسلامی نیز به جنب و جوش در آمده است و هم اکنون ما شاهد یک اعتصاب سراسری در میان زندانیان سیاسی در بسیاری از زندانها هستیم. امروز بیش از هر وقت شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد به شعاری گسترده در میان مردم و کل جامعه تبدیل شده است. نکته قابل توجه اینست که در تمام این اعتراضات و در میان بخش های مختلف جامعه، اعتراضات دارد حول خواستههای سراسری و رادیکال شکل میگیرد. یک نمونه آن روز جهانی کودک است. در بیانیه روز کودک از به زیر کشیدن این جهان وارونه و از سوسیالیسم صحبت میشود. و در هر مناسبی این چپ است که با شعارهایش به جلو می آید و مهر خود را بر اتفاقات جاری میگوید. دارند از شیخ لنین در راس این اعتراضات صحبت میکنند. علاوه به لحاظ بین المللی نیز جمهوری اسلامی زیر فشاری جدی قرار دارد. بطوریکه امروز ایران به یکی از مولفه های مهم در معادلات سیاسی در سطح جهانی تبدیل شده است. از اینرو اکنون همه نگاهها بسوی ایران خیره شده است. در کل این ها همه رنگ و روی دیگری به ۱۶ آذر امسال داده است.

در چنین فضایی رژیم میکوشد، با تهاجمی گسترده کل جامعه را به عقب بزند تا بلکه بار دیگر خود را از خطر ۱۶ آذر و یک اعتراض وسیع در این روز در سطح جامعه در امان نگاهدارد. میبینیم دستگیریها شدت میگیرد. منصور اسانلو رئیس سندیکای شرکت واحد دستگیر میشود تا جنبش اعتراضی کارگری را که با قدرت به جلو می آید عقب برانند. در عرصه های مختلف مبارزه در دانشگاهها، در جنبش اعتراضی برای رهایی زن و در میان فعالین معترض کارگری دستگیری ها و تهدید و فشارها بالا میگیرد. فشار بر روی زندانیان سیاسی بالا میگیرد و غیره. بویژه با نزدیک شدن ۱۶ آذر

برق و تاسیسات غرب تهران تشکیل شد و کارگران ۵ کارخانه در سنجند دست به تجمع همزمان زدند و شهر را به تحرك در آوردند.

به دانشگاهها نگاه کنیم، دانشگاه تهران، پلی تکنیک، علامه طباطبایی، دانشگاه سبزوار و سنجند و زنجان و مشهد و تبریز و لرستان و در بسیاری جاهای دیگر همانطور که اشاره کردم ما شاهد اعتراضات هر روزه دانشجویان هستیم. از یکسو دانشجویان معترض بعنوان دانشجویان ستاره دار در لیست اخراج قرار میگیرند و به دستگیری و زندان تهدید میشوند. از سوی دیگر این فشارها و این دستگیری ها خود به موضوع اعتراض هر روزه دانشجویان تبدیل شده است. از جمله قتل توحید غفارزاده توسط یک بسیجی، در دانشگاه سبزوار دانشگاههای دیگر را به تکان در آورده است و شعار اوباش سیاسی و نظامی رژیم باید از دانشگاهها اخراج شوند، به خواستی فراگیر تبدیل شده است. بیانیه ها و طومارهای اعتراضی در محکوم کردن این قتل در تمام دانشگاهها به حرکت در آمده است. دانشجویان با تهاجمات هر روزه رژیم دارند مقابله میکنند. در دانشگاه پلی تکنیک دانشجویان بخاطر اخراج ها با پلیس درگیر شدند. در علامه طباطبایی شفیع رضایتی دانشجوی این دانشگاه بر اثر سکنه قلبی و کمبود امکانات پزشکی جان سپرد و در اعتراض به آن دانشگاه به حال انفجار در آمد. فضایی ملتهب در همه جا حاکم است. همانطور که اشاره کردم دارند از برگزاری یک ۱۶ آذر با شکوه صحبت میکنند. وقتی پای صحبت دست اندرکاران این اعتراضات مینشینیم، میگویید، شعارهایمان آماده است. قطعنامه هایمان را تدارک دیده ایم. و شاهد این هستیم که بار دیگر زمزمه شعارهای آزادی و برابری میروند تا در همه جا طنین بیندازد. دانشجویان میگویند باید بساط کمیته های انضباط و حراست و غیره از دانشگاهها جمع شود. میگویند دانشگاه پادگان نیست، میگویند ما دانشگاه اسلامی نمیخواهیم. میگویند حجاب نه، آپارتاید جنسی نه، رهایی انسان. دانشجویان فریاد میزنند زندانی سیاسی آزاد باید گردد

سعید، کارگر ذوب آهن از اصفهان
دوست عزیز محسن سلامهای گرم مرا بپذیرید!

قبل از هر چیز خوشحالم از داشتن ستون مربوط به پاسخ به نامه و آنرا تبریک میگویم. در همین دو شماره مشاهده میکنید که چقدر مهم است که به سئوال های اساسی ای که ممکن است در ذهن هر یک از ما سنگینی کند، پاسخ داده شود. امیدوارم این کار ادامه داشته باشد. گزارشات مربوط به بزرگداشت سالگرد حزب را دنبال میکردم. دوست داشتیم در میان کارگران و کسانی که میشناسم فریاد بزنم و بگویم میدانید چه روز مهمی است! روزیست که این حزب تشکیل شده است و باعث شده امروز من و شما نقطه اتکایی داشته باشیم. اما افسوس که مشکلات فراوان بود. در چنین وضعیتی بود که یک باره این سئوال برایم طرح شد که چرا جامعه را به بزرگداشت وسیع این روز فرا نمیخوانیم. چرا این را یک وظیفه دائمی خود نمیدانیم که اهمیت وجود این حزب را به اعتقاد قلبی حداقل بخش رادیکال کارگران و انسانهای مبارز تبدیل کنیم. لطفاً به من جواب دهید. چطور؟

سعید عزیز
من هم از توجه خوانندگان انترناسیونال به درج نامه ها خوشحالم. سعی خواهیم کرد حداقل به یک یا دو سئوال در هر شماره جواب بدهیم. با این امید که روزی بتوانیم صفحات انترناسیونال را بیشتر کنیم و مباحث و سئوال و جوابهای بیشتری را درج کنیم.

قطعا باید کاری کنیم که نه تنها اهمیت و جایگاه حزب به اعتقاد قلبی بخش رادیکال کارگران و انسانهای مبارز تبدیل شود، بلکه میلیونها انسان در آن جامعه طبقاتی و اختناق زده به حزب کمونیست کارگری به عنوان ابزار رهایی خود از توحش سرمایه داری و حکومت اسلامی نگاه کنند. اما این اتفاق عظیم و تاریخی چگونه میتواند متحقق شود؟ شاید بتوان گفت که پاسخ عملی به این سئوال یکی از پایه ای ترین و مشکلترین وظایف حزب است. حزب کمونیست کارگری، به قول منصور حکمت نماینده اکثریت مردم ایران است. به این معنا که این حزب در برنامه اش

و در فعالیتهای هرروزه اش عمیقترین آرزوهای اکثریت مردم را نمایندگی میکنند. برنامه حزب، حرف دل کارگرانی است که حیات خود و فرزندانشان زیر پای مرتجعترین نمایندگان سرمایه له میشود؛ حرف دل زنانی است که ۲۷ سال است به بردگی محکوم شده اند، حرف دل جوانانی است که زیر پای مجانبین اسلامی سرمایه به خفقان کشیده شده اند. بدون تردید این میلیونها انسان در برنامه حزب دروازه بزرگ رهایی خود را پیدا میکنند. هر چقدر حزب کمونیست کارگری بیشتر شناخته شود، هر چقدر افکار و آرزوها و تصویر این حزب از زندگی بیشتر به میان مردم برود، هر چقدر این حزب بیشتر برای مردم قابل دسترس تر باشد همانقدر به آن لحظه باشکوه نزدیکتر خواهیم شد که مراسم بزرگداشت حزب کمونیست کارگری را همراه میلیونها انسان در ایران و حتی جهان برگزار کنیم. حزب را باید با تمام قدرت به میان کارگران و جوانان و زنان و به طور کلی مردم برد. حرف حزب فقط باید این حرف را به میان مردم برد. همین امروز، حزب کمونیست کارگری با تمام قدرت از طریق تلویزیون و نشریاتش این کار را میکند. با کمال خوشحالی باید گفت که رادیو انترناسیونال هم که برای مدتی تعطیل شده بود مجدداً به طیف رسانه های حزب پیوست. باید از هر طریق رسانه های حزب را به بیشترین تعداد معرفی کرد و برای بیشترین تعداد قابل دسترسی کرد. و به این طریق امکان انتخاب حزب را برای تمام جلوه های تبعیض و نابرابری میان انسانها مبارزه میکند را بیشتر کرد.

همینجا میخواهم تاکید کنیم که انترناسیونال در نظر دارد لیست ای میل وسیعی را تهیه کند. انترناسیونال مستقیماً به این لیست ارسال خواهد شد. از دوستان و آشنایان خود بخواهید برای دریافت مستقیم و سریع انترناسیونال، آدرس ای میل خود را در اختیار انترناسیونال قرار دهند.

از دوستان و آشنایان بخواهید انترناسیونال را بخوانند و نظرات و

پاسخ به نامه ها

ستوالاتشان را با ما در میان بگذارند. با آرزوی برگزاری وسیع بزرگداشت تشکیل حزب محسن ابراهیمی

محسن عزیز با سلام

لطفاً اگر فرصت شد به این سؤال هم پاسخ دهید.

دمکراسی به چه معناست؟ و آیا میتوان آن را مترادف با آزادی، رفاه، برابری، نبود تبعیض، بیمه بیکاری، تامین شغلی، دخالت مستقیم مردم در تعیین سرنوشتشان و ... بحساب آورد؟

با تشکر

داوود رفاهی

دوست گرامی

این يك سؤال بسیار پایه ای است و حتماً که نمیتوان در صفحه محدود پاسخ به سئوالات به جوانب متنوع این سؤال پرداخت. اما چند نکته پایه ای را اینجا یادآور میشوم.

دمکراسی را معمولاً با آزادی تداعی میکنند. اصلاً طبقات حاکم همیشه آگاهانه سعی کرده اند مردم، دمکراسی را با آزادی تداعی کنند و تصور کنند که وقتی به دمکراسی نایل شدند حتماً آزادیشان را کسب کرده اند. مردم معمولی هم وقتی میگویند خوهان دمکراسی هستند منظورشان کسب آزادی، آزادی بیان و اجتماعات و اعتصابات و شرکت فعال در تصمیم گیریهای سیاسی و به طور کلی شرکت در سرنوشت سیاسی خودشان است.

اما اهداف و تلقیاتی مردم معمولی از دمکراسی هیچ خوانایی با مضمون دمکراسی به مثابه یکی از انواع حکومتهای مورد نظر سرمایه داری ندارد. برای سرمایه داری، دمکراسی نوعی از حکومت است که طبقاتی بودن جامعه در آن فرض است. دمکراسی شیوه ای از حاکمیت طبقات داراست. قرار نیست دمکراسی به اختلاف طبقاتی در جامعه صدمه ای بزند. قرار نیست در چهارچوب دمکراسی، توده کارگران به اصطلاح آزاد با يك پروسه دمکراتیک به حق مالکیت صاحبان سرمایه بر وسایل تولید و حق بالا کشیدن دسترنج کارگران کوچکترین صدمه ای بزنند. کارگران تا آنجایی "آزادند" که به چنین حق مالکیتی دست درازی نکنند. اگر چنین فکری به سرشان بزند، پلیس و ارتش و زندان دمکراسی آماده سرکوبشان است. به تاریخ

تحت هجوم ماشین عظیم تبلیغاتی صاحبان سرمایه قرار دارند و دخالتشان بر اساس اطلاعات ساختگی و بی پایه شکل میگیرد. نمونه عراق را به خاطر بیاورید. دولت حاکم در آمریکا و سایر دمکراسیهای غربی با يك کمپین دروغ سازی تلاش کردند مردم را برای يك هجوم نظامی آماده کنند و وقتی عراق به جهنمی سوزان تبدیل شد تازه همان مردم متوجه شدند تمام اطلاعات داده شده توسط دمکراسی حاکم دروغ بوده است. جای یادآوری است که از نقطه نظر مدافعین دمکراسی، حکومت آخوند مرتجعی مثل خاتمی، نمونه ای از دمکراسی است که مردم ایران باید در مقابلش کلاه از سر بردارند. یا همین مجاهدین اسلامی و شیوخ و روسای قبایل حاکم در افغانستان سبیل دمکراسی هستند که باید مردم افغانستان به خاطرش هر روز شکرگزار خدا شوند.

به طور خلاصه، دمکراسیها قرار است به نام مردم و از طرف مردم، تقدس مالکیت سرمایه داری اقلیتی از جامعه را پاسداری کنند. به نام آزادی فردی کارگر، از متشکل شدن کارگران در اتحادیه های جلوگیری کنند؛ به نام آزادیهای فردی، آزادی فرد سرمایه دار برای انتخاب نحوه بهره کشی از کارگران تامین کنند؛ به نام فرصتهای طلایی و برابر برای همه، فرصت و امکان و رفاه و سعادت را به پول جیبها گره بزنند و در واقع فرصتها را از فقرا بگیرند و در مقابل صاحبان ثروت باز کنند؛ و ... به این ترتیب میبینیم که در همین دمکراسیهای غرب، هر جا مبارزه قدرتمندی وجود دارد، هر جا طبقه کارگر و مردم محروم این جوامع توانسته اند توازن قوا را با مبارزات گسترده و قوی به نفع خود برگردانند همانقدر هم توانسته اند قوانینی به نفع خود به این حکومتها تحمیل کنند و هر جا این مبارزات قوی نبوده، با تعرض پارلمانها و کابینه های دموکراسی به بیمه های اجتماعی و تامین شغلی و ... روبرو بوده اند.

میخواهم تاکید کنم که دمکراسی به عنوان نوعی از حکومت هیچ ربطی به بیمه های بیکاری و رفاه و آزادی ندارد. این قدرت اعتراضات اجتماعی کارگران و مردم محروم است که بیمه های اجتماعی و غیره را به حکومتها دمکراسی تحمیل میکند. هر جایی این اعتراضات ضعیف شود و سرمایه داران و دولتهایشان دست بالا پیدا کنند

از صفحه ۱ از اعتراض متحدانه ...

اسلامی را بخاطر اعمال جنایتکارانه اش علیه زندانیان سیاسی و دستگیری و تهدید فعالین جنبش های اعتراضی تشدید کنند و خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی و پایان دادن به دستگیری و تهدید و اذیت و آزار فعالین این جنبش ها شوند.

زندانیان سیاسی فورا و بی قید و شرط باید آزاد شوند

مرکز بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران ۳۰ نوامبر ۲۰۰۶، ۹ آذر ۱۳۸۵

ماهشهر و اهواز کاملاً صاف شنیده شد. شنیدن صدای رفقای رهبری حزب، که بمناسبت یازدهمین سال تشکیل حزب کمونیست کارگری صحبت کردند، واقعاً شور انگیز و باعث خوشحالی شنوندگان شد.

من نیز از این فرصت استفاده میکنم و سالروز تشکیل حزب را به همه رفقا، بویژه به رفیق حمید تقوایی لیبر حزب تبریک میگوم.

زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران

مجید صفایی از ایران

کار روی رهبران عملی اعتراضات را فراموش نکنید

امیلوارم حال همه رفقا خوب باشد

صدای رادیو در روز دوشنبه ۶/۹/۸۵ و روز سه شنبه ۷/۹/۸۵ در منطقه جنوب خوزستان، شهرهای ماهشهر، آبادان و اهواز صاف و بدون هرگونه پارازیت شنیده شد.

امیلوارم، کار روی رهبران عملی اعتراضات اجتماعی و بویژه رهبران عملی اعتراضات کارگری را از طریق رادیو فراموش نکنید. در شرایط کنونی این کار فوق العاده مهم و اهمیت تعیین کننده دارد.

موفق باشید.

بهرام احمدی از ایران

زنده باد صدای سوسیالیسم و انقلاب

با تبریک به سیوش عزیز، تبریک به همه دست اندرکاران رادیو، امشب سه شنبه ۷ آذر ۸۵ در کرمانشاه صدای قدرتمند رادیو انترناسیونال به همراه صدای ژوین عزیز بدون هیچ گونه پارازیت شنیده شد. زنده باد رادیو انترناسیونال، زنده باد صدای سوسیالیسم و انقلاب

کارمان صالحی از ایران

اولین کاری که میکنند حمله به همین دستاوردهاست. انگلستان دهه هشتاد به بعد و آمریکای چند دهه اخیر يك نمونه روشن است.

اجازه بدهید به خاطر کمبود جا به همین مختصر اکتفا کنیم. اما لازم است تاکید کنم که در رابطه با دمکراسی، منصور حکمت مصاحبه ای دارد تحت عنوان "دمکراسی، تعابیر و واقعیتها". این يك تحلیل عمیق است از واقعیت دمکراسی و تعابیری که جنبشها و جریانات طبقاتی از آن بدست میدهند. این مصاحبه در سال ۱۳۷۱ انجام شده است. یعنی چند سال بعد از فروپاشی دیوار برلین، در مقطعی که سردمداران سرمایه داری بازار آزاد، در تقابلشان با بلوک شرق پیروز شده بودند و اعلام کرده بودند جهان دیگر میدان یکه تازی دمکراسی بازار آزاد است و دمکراسی قرار است در همه جهان پیاده شود و آزادی و امنیت و فرصتهای طلایی را برای همه مردم جهان به ارمغان بیاورد. و ما نمونه این آزادیها و فرصتهای طلایی را دیروز در یوگسلاوی دیدیم و امروز در عراق و افغانستان مشاهده میکنیم. خواندن این مصاحبه درخشان قویا توصیه میشود. این مصاحبه در جلد ۸ آثار منصور حکمت چاپ شده است و همچنین میتوانید به این مصاحبه در سایت بنیاد منصور حکمت دسترسی پیدا کنید.

با آرزوی موفقیت و شادی

محسن ابراهیمی

این نامه ها را شهلا دانشفر در اختیار انترناسیونال گذاشته است

صدای رادیو انترناسیونال بدون پارازیت

با سلام های گرم

صدای رادیو در روز چهارشنبه، ۸/۹/۸۵ در شهرهای آبادان،

در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور



گانگسترهای طرفدار صلح!

قرار است احمدی نژاد تیر خلاص زن و خامنه ای آدمکش آستین بالا بزنند و "وحدت و امنیت و استقلال" عراق را حفظ کنند! جلال طالبانی هم مدعی است که در دیدار از تهران در جزئیات به توافقات مهمی با سران جمهوری اسلامی در زمینه همکاری برای "تأمین امنیت در عراق" رسیده اند! موضوع چیست؟ چطور احمدی نژاد در ایران حتی میان جناحهای رژیم جزو تندروها است اما در عراق منتقد گروههای تندرو شده است؟ چگونه میشود سپاه پاسداران و گروههای متفرقه وابسته به رژیم ایران در عراق علیه خودشان در خدمت "امنیت و ثبات" در عراق کار کنند؟ از کی گانگسترهای مسلح و تروریستها در منطقه و جهان "پیس میکر" شدند؟ مسئله زیادی سوررئالیستی نیست؟

هم دولت آمریکا و هم دولت طالبانی و شرکا در دولت و پارلمان دست ساز عراق میدانند که جمهوری اسلامی در عراق از طریق ارتش مهدی و نیروهای متفرقه رسمی و زیر زمینی بشدت فعال است، دنبال منافعش است، و یکی از مسببین مشقات روزمره مردم عراق است. این فاکت پوشیده ای برای هیچ ناظر سیاسی مسائل خاورمیانه نیست. حاصل حمله آمریکا به عراق رشد اسلام سیاسی و شاخه های متفرقه آن و مشخصا تقویت موقعیت جمهوری اسلامی در عراق بود. واقعیت اینست که سیاستهای آمریکا در عراق شکست خورده است و علیرغم تلاشهای مضحک برای سرهم کردن یک دولت قومی- مذهبی- عشیره ای و سازش با بقایای رژیم بعث، عراق به گرداب یک جنگ داخلی تمام عیار افتاده است که قربانیان روزافزون آن مردم بیگناهی اند که هیچ منفعتی در کشمکش تروریستها ندارند. شکست سیاست آمریکا در عراق اولین نتیجه اش را در انتخابات آمریکا نشان داد و معماران این استراتژی را پشت صحنه فرستاد. اما آمریکا نمیتواند بیکار بنشیند و باید راهی برای خروج از این وضعیت پیدا کند. سیاست

"ثبات و امنیت" با فرض این نیروها جوک است. این مذاکرات و توافقات و امتیاز دهی و امتیاز گیریها بخشی از پروسه یک جنگ فی الحال در جریان است و موفقیت هر طرفی منوط به نشان دادن قدرت مخرب و خشن به طرف مقابل است. این توافقات مسئله ای را تغییر نمیدهد، گشایشی را به بروی مرم عراق باز نمیکند، امنیت و ثباتی را نتیجه نمیدهد، بلکه فصل دیگری از درگیری و جنایت را دامن میزند. در این میان کماکان مردم عراق قربانی جنگ و صلح تروریستها هستند. پایان دادن به جنگ داخلی در عراق و بیرون آمدن از این موقعیت در گرو عروج نیروی بشریت آزادیخواه در عراق و جهان برای ایجاد جامعه ای سکولار و آزاد است که قومیت و مذهب را مبنای تعریف خویش قرار نداده است. ثبات و امنیت و صلح را گانگسترها و تروریستها نمیتوانند تأمین کنند، اینها خود جزو صورت مسئله کشورهای منطقه اند.

"جنگ بازنده ها"

جناحهای رژیم اسلامی در آستانه مضحکه انتخابات مجلس خبرگان بجان هم افتاده اند. در ایندوره ها رو کردن پرونده دزدی و فساد و بالا کشیدن اموال مردم بعنوان وسیله ای برای زدن طرف مقابل در دستور قرار میگیرد. نام مستعار این مسئله "انتقاد رفسنجانی از سیاست اقتصادی دولت احمدی نژاد" است. هر آدمی با عقل متوسط و درک یک دانشجوی سالهای اول رشته اقتصاد میدانند که معضل جناحهای رژیم این یا آن سیاست اقتصادی نیست. دوره خمینی و خط امامی ها سپری شده است. این دعوائی بر سر بقا و سهم هر باند از منابع لغت و لیس و ارکانهای قدرت است. معضل مردم این نیست که سیاست اقتصادی رفسنجانی بهتر است یا احمدی نژاد. سیاست رفسنجانی هشت سال در دو دوره رئیس جمهوریش بخشا اجرا شد، خاتمی نیز هشت سال همان سیاست را پیش برد و دولت احمدی نژاد نیز همان سیاست را در اساس پیش میبرد. این سیاست شکست خورد و دردی از اقتصاد بحرانی سرمایه داری ایران را دوا نکرد. نه رفسنجانی و نه احمدی نژاد نمایندگان دو پلانفرم اقتصادی مجزا نیستند، مسئله سهم هر جناح و باند حکومتی از قدرت و امتیازات

پیام حمید تقوایی

از صفحه ۱

شانزده آذر امسال این اعتراض سوسیالیستی باید صریح تر و رسا تر از همیشه در جامعه طنبنین انداز شود. دانشجویان، کارگران، مدافعین حقوق کودک، محصلین، معلمان، معترضین به آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی! آزادیخواهان و برابری طلبان! در شانزده آذر به خیابان بیائید و علیه جمهوری اسلامی و علیه منجلاب سرمایه داری فریاد اعتراض خود را بلند کنید!

زنده باد سوسیالیسم!

حمید تقوایی،
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ آذر ۱۳۸۵، ۳۰ نوامبر ۲۰۰۶

کمک مالی به حزب

۳۰۰ دلار کانادا

کاناتا - تورنتو
جمشید هادیان (اکتبر، نوامبر و دسامبر)

۱۰۰ دلار کانادا

کمک به چاپ انترناسیونال در کاناتا - تورنتو
مهران محبوبی

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

تست کرده است و شکست خورده است. امام زاده بمب اتم و موقعیت عراق و نفوذ رژیم در منطقه آخرین کارتی است که با آن بازی میشود. مجلس خبرگان و نتیجه آن برای مردم اهمیتی ندارد، مانند کل رژیم مشروعیتی ندارد، امرشان نیست. کل پدیده رژیم اسلامی و وجودش صورت مسئله مردم است و تلاش برای نفی آن مدتهاست که در دستور جامعه است. جنگ در بالاترین لایه ها و عناصر حکومتی تنها نشان این حقیقت است که جمهوری اسلامی یک لاشه افتاده است و باید یکی بیاید و آن را جارو کند. صورت مسئله مردم ایران هنوز عوض نشده است، رژیم اسلامی کماکان در بحران و تشتت دست و پا میزند و امر سرنگونی از دستور روز جامعه خارج نشده است. مسئله اساسی اما اینست که جنبش کمونیسم کارگری و حزبش آماده شود و بسرعت به رهبر بلانمازع سرنگونی و انقلاب علیه وضع موجود تبدیل شود و این سیکل باطل را ببندد و مردم ایران را از دست این جنایتکاران نجات دهد. *

سیاسی و اقتصادی است. مجلس خبرگان بنا به ماهیت مافیائی و تو در توی آن در ساختار قدرت رژیم اسلامی، و رقابت و تلاش جناحهای رژیم بر سر ترکیب اعضا و ریاست آن، مجرای دعوای پیشا انتخاباتی و گلابه ها و انتقادهای اقتصادی شده است. جنگ جناحها در رژیم اسلامی یک پدیده مفروض است. این رژیم از ابتدای سر کار آمدنش ترکیبی از فرقه ها و باندها و گانگسترهای حکومتی بوده است و در هر دوره با ترکیبات مختلفی در مقابل هم قرار گرفتند. وجه اشتراک و منافع مشترک جناحهای رژیم بسیار پایه ای تر و مهمتر از اختلافات میکروسکوپی آنهاست. بقا جمهوری اسلامی فرض همه شان است و جنگ و جدال درون حکومتی در رژیمی مانند جمهوری اسلامی اساسا جنگی بر سر هژمونی و خط مشی ای است که به زعم این یا آن جناح بقای حکومت را بهتر تأمین میکند. اما در این جدال مجموعه رژیم اسلامی همواره ضعیف تر بیرون آمده است. این جنگ بازنده هاست، رژیم اسلامی همه راههای مهار بحران را